

## خبر

### نشست مشترک سران قوا برگزار شد

نشست مشترک سران قوای مجریه، مقننه و قضائیه روز گذشته به میزبانی مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری، در نهاد ریاست‌جمهوری برگزار شد. سران سه قوه در این نشست درباره موضوعات مختلف گفت‌وگو و تبادل نظر کردند.

### باهنر؛ اینکه عده‌ای علیه مذاکره تجمع کنند، قابل قبول نیست

دبیرکل جامعه اسلامی مهندسین با تاکید بر اینکه دشمن در همین موقعیت در تلاش است جامعه را دسته‌دسته کند، گفت: افرادی یا جنگ یا مذاکره مخالفت می‌کنند، اما باید مراقب باشیم که حرف‌های تفرقه‌افکن در جامعه نزیم، اینکه عده‌ای بروند جلوی وزارت خارجه تجمع کنند چرا مذاکره می‌کنیم، قابل قبول نیست. این‌ مثلث تحت نظارت و رهمنودهای محمدرضا باهنر در ابتدای نشست خبری خود اظهار کرد: هفته آینده برنامه مفصلی در کشور برای تشییع پیکر رهبر شهید وجود دارد و رسانه‌های بسیاری آمده‌اند تا این رخداد مهم تاریخی را ثبت و ضبط کنند. مردم ما نیز عزای سنگینی در وداع با امام شهید خود دارند. انتظار می‌رود تک‌تک شهروندان به پاس احترام به خدمات و صلابت‌های امام شهید کم نگذارند که حتما کم نمی‌گذارند. ان‌شاءالله این مراسم هرچه باشکوهرتر و در محیط امن برگزار شود.

**اینکه عده‌ای جلوی وزارت خارجه تجمع کنند چرا مذاکره می‌کنیم، قابل قبول نیست** دبیرکل جامعه اسلامی مهندسین با تاکید بر اینکه دشمن در همین موقعیت در تلاش است جامعه را دسته‌دسته کند، افزود: افرادی با جنگ یا مذاکره مخالفت می‌کنند، اما باید مراقب باشیم که حرف‌های تفرقه‌افکن در جامعه نزیم، اینکه عده‌ای بروند جلوی وزارت خارجه تجمع کنند چرا مذاکره می‌کنیم، قابل قبول نیست. این‌ مثلث تحت نظارت و رهمنودهای رهبری کار را پیش می‌برند و ما باید به آنان اعتماد کنیم. باهنر در ادامه این نشست خبری، در پاسخ به پرسشی درباره حملات برخی تریبون‌دارها به رئیس‌جمهوری پس از امضای توافق‌نامه، گفت: کسانی را که نقد می‌کنند نمی‌خواهیم خدای نکرده متهم کنیم وابسته، جاسوس یا تفرقه‌انداز هستند. البته ممکن است گاهی دشمن بخواهد کاری انجام دهد و با دو واسطه، سه واسطه یا چهار واسطه آن را پیش ببرد و فردی که در انتهای این زنجیره قرار دارد، دلیل نداند تحت تأثیر چه تحریکاتی این کار را انجام می‌دهد. او افزود: ما باید این اعتماد را داشته باشیم که رسانه ملی، رسانه‌های گروهی، منابر و تریبون‌های ما این موضوع را تبیین کنند که کار در مجموع با انسجام هماهنگی، همراهی و مدیریت در حال انجام است. دبیرکل جامعه اسلامی مهندسین با اشاره به بیانات رهبر معظم انقلاب اظهار کرد: مقام معظم رهبری در بیانیه‌ای که صادر فرمودند، نکات زیادی مطرح کردند. ایشان فرمودند علی‌الاصول با این تفاهم‌نامه موافق نبودم، اما زمانی که شورای عالی امنیت ملی این مسیر را تصویب کرده است، نظام حکمرانی به‌صورت طبیعی و ساختارمند در حال انجام وظایف خود است.

### به مسئولان اعتماد داریم، اما نظرات عامه رهبری و مردم نیز وجود دارد

باهنر ادامه داد: شورای عالی امنیت ملی وظیفه دارد مسائل را رصد کند و امور را پیش ببرد. از سوی دیگر، رهبری نیز نظرات دارند و مردم هم ناظر هستند. اگر خدای نکرده جایی اشتباه، قصور یا انحرافی رخ دهد، جلوی آن گرفته خواهد شد. بنابراین نظام در حال حاضر به‌صورت طبیعی و ساختارمند کار خود را دنبال می‌کند، به مسئولان اعتماد داریم، اما نظرات عامه رهبری و مردم نیز وجود دارد. ممکن است عده‌ای بگویند با مذاکره مخالفت هستند یا دیدگاه‌های دیگری داشته باشد، حتی در برخی تجمع‌ها دیده‌ام هر روز نام فردی را مطرح می‌کنند و خواستار برخورد با او می‌شوند. از این طرف و آن طرف اظهاراتی مطرح می‌شود که اینها در نهایت می‌تواند جامعه را تکه‌تکه کند.

### کسانی که تجمع می‌کنند و تریبونی در اختیار دارند، حواس‌شان جمع باشد

او تصریح کرد: دشمنن پاشنه آشیل این نظام را به‌خوبی شناخته که همان تکه‌تکه‌کردن جامعه و جداکردن مردم از یکدیگر است. این نکته را درست فهمیده، اما ماهیت مردم را درست نشانخته است. مردم با وجود همه مشکلات و تقدهایی که ممکن است داشته باشند، پشت سرت ایران مستقل، ایران یکپارچه و ایران اسلامی ایستاده‌اند و خواهند ایستاد. کسانی که بعضا اعتراض می‌کنند، مقابل مجلس یا وزارت امور خارجه تجمع می‌کنند یا تریبونی در اختیار دارند، باید حواس‌شان جمع باشد؛ باز هم تاکید می‌کنم که نمی‌خواهم آنها را مستقیم به کارشکنی متهم کنم، اما ممکن است با دو واسطه، سه واسطه یا چهار واسطه کاری را انجام دهند که دشمن خواهان آن است، بنابراین باید نسبت به این موضوع هوشیار باشند.

دبیرکل جامعه اسلامی مهندسین در پاسخ به پرسشی درباره نقش حوزویان و دانشگاهیان در حفظ اتحاد ملی و نیز مخالفت برخی جریان‌ها با مذاکرات، با بیان اینکه «نام راحل و شهیدان بارها بر نقش مردم تاکید کرده‌اند و این مسئله در سایه انسجام و اتحاد ملی محقق می‌شود و مقام معظم رهبری نیز همواره بر اهمیت وحدت و انسجام ملی تاکید داشته‌اند»، اظهار کرد: وحدت و انسجام ملی مهم‌ترین و اصلی‌ترین مسئله کشور است. دشمن پاشنه آشیل ما را به‌خوبی تشخیص داده و تلاش می‌کند این وحدت را بر هم بزند.

باهنر ادامه داد: تریبون‌داران، از رسانه ملی گرفته تا رسانه‌ها، صاحبان کرسی‌های تدریس، خطبای نماز جمعه، حوزویان و دانشگاهیان باید حواس‌شان جمع باشد که مستقیم یا غیرمستقیم آب به آسیاب دشمن نریزند. هر نکته و هر جمله‌ای که بخواهد انسجام ملی را بر هم بزند، جامعه را دچار شکاف و مردم را تکه‌تکه کند، حتما خلاف منافع ملی است.

<b>برگ سبز خودرو سواری زانتیا سفید مدل ۱۳۸۷</b>
<b>به شماره پلاک ۹۵ایران ۹۱۴س ۹۷</b>
<b>شماره شاسی ۰۱۵۱۲۲۸۱۶۵۳۰۱</b>
<b>و شماره موتور ۷۲۷۹۹۹ متعلق به حسام سپاهی سر جوئی</b>
<b>به شماره ملی ۰۳۷۰۱۷۴۹۵۲۳ مفقود گردیده</b>
<b>و از درجه اعتبار ساقط است.</b>

<b>مدرک تحصیلی اینجناب علیرضا ابوترابی فرزند رضا با کدملی ۴۹۱۱۶۵۹۳۴۳ در مقطع کاردانی</b>
<b>رشته الکترونیکتک صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین</b>
<b>به شماره ۰۳۹۴۱۳۹۰۲۱۴ تاریخ ۰۱/۰۵/۱۳۹۱که در تاریخ ۰۴/۰۳/۱۴۰۴مفقود گردیده است. از یابنده تقاضا می گردد</b>
<b>اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین</b>
<b>به آدرس قزوین باراجین تحویل دهد.</b>

# «شرق» در گزارشی، نخستین تبادل آتش بین ایران و آمریکا را پس از امضای تفاهم و آغاز مذاکرات سوئیس واکاوی می‌کند

**عبدالرحمن فتح‌اللهی**؛ دیپلماسی حتی زمانی که با امضای یادداشت تفاهم، اعلام آتش‌بس و آغاز مذاکرات رسمی همراه می‌شود، لزوماً به معنای پایان مخاطره نیست. تحولات بامداد شنبه میان تهران و واشینگتن، شاید بیش از هر رخداد دیگری این واقعیت را آشکار کرد که در مناسبات دو کشوری که ده‌ها بر مدار بی‌اعتمادی حرکت کرده‌اند، هیچ توافقی صمون از بحران نیست و هیچ روندی را نمی‌توان برگشت‌ناپذیر دانست. حمله متقابل آمریکا و ایران فقط چند روز پس از امضای تفاهم‌نامه مشترک و آغاز نخستین دور مذاکرات در سوئیس، مبین این واقعیت است که مسیر دیپلماسی نه یک جاده هموار، بلکه مسیری پر از مین‌های سیاسی، امنیتی و نظامی است. این مین‌ها با کوچک‌ترین خطای محاسباتی یا حتی یک حادثه می‌توانند فعال شده و همه دستاوردهای سیاسی را به نقطه صفر یا نقطه آغاز بازگردانند. پس در حقیقت باید اذعان داشت و در عین حال هشدار داد آنچه در ساعات پایانی جمعه و بامداد شنبه رخ داد، صرفاً یک تبادل محدود آتش نبود، بلکه نمایشی آشکار از پارادوکس حاکم بر روابط تهران و واشینگتن بود. این پارادوکس به روشنی نشان داد دو طرف هم‌زمان که پشت میز مذاکره نشسته‌اند، دست خود را نیز روی ماکه نشه داشته‌اند. به بیان دیگر و در ظاهر، تفاهم به امضای رؤسای جمهور ایران و آمریکا رسیده، دور اول مذاکره در سوئیس انجام شد و برنامه‌ها برای برگزاری دور دوم مذاکرات ریخته شده، اما هم‌زمان ظرفیت بازگشت به رویارویی نظامی نیز همچنان فعال است. این همان وضعیتی است که می‌توان آن را «دیپلماسی زیر سایه بازگردنگی متقابل» نامید؛ شرایطی که در آن هر دو طرف تلاش می‌کنند از جنگ فرارگیر اجتناب کنند، اما هم‌زمان برای اثبات اراده و حفظ قدرت چانه‌زنی، از نمایش قدرت نظامی نیز دست نمی‌کشند.

در نگاه خوشبینانه، نه تهران و نه واشینگتن تمایلی به ورود به جنگی فرارگیر ندارند. هزینه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی چنین جنگی برای هر دو طرف به اندازه‌ای سنگین است که مدیریت بحران و کنترل تنش همچنان گزینه مطلوب باقی می‌ماند. با این حال، تجربه نشان داده است بسیاری از جنگ‌های بزرگ نه از دل تصمیمی آگاهانه برای آغاز جنگ، بلکه از دل سلسله‌ای از سوءبرداشت‌ها، اقدامات متقابل و محاسبات اشتباه شکل گرفته‌اند. به همین دلیل هرچه دو طرف بیش از گذشته به استفاده هم‌زمان از ابزار مذاکره و قدرت نظامی روی آورند، احتمال لغزش ناخواسته به سمت بحران نیز افزایش خواهد یافت. در این میان، امضای توافق بین دولت لبنان و اسرائیل، پایان وضعیت جنگی در این کشور (لبنان) و آغاز مرحله‌ای جدید در معادلات نیز بر پیچیدگی فضای منطقه افزوده است. اکنون به نظر می‌رسد پرونده لبنان در حال طی‌کردن مسیری موازی با روند گفت‌وگوهای تهران و واشینگتن است؛ مسیری که هر تحول آن می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، به آینده مسیره‌های میان ایران و آمریکا اثر بگذارد. از همین رو، رخدادهای بامداد شنبه را نمی‌توان شنبه را یک حادثه محدود نظامی دانست، بلکه باید آن را نخستین آزمون جدی تفاهم تازه تهران و واشینگتن تلقی کرد؛ آزمونی که نشان داد اگرچه پنجره دیپلماسی همچنان باز است، ورزش کوچک‌ترین باد بحران نیز می‌تواند آن را به‌سرعت ببندد.

### از توییت هشدار آمیز ترامپ تا نخستین تبادل آتش پساتفاهم

همه چیز از عصر جمعه و اظهارات دونالد ترامپ آغاز شد؛ جایی که رئیس‌جمهور آمریکا با متهم‌کردن ایران به حمله پهبادی علیه یک کشتی تجاری در حال عبور از تنگه هرمز، مدعی شد تهران توافق آتش‌بس را نقض کرده است. ترامپ در حالی که از اصابت یکی از پهبادها به غرشه یک کشتی باری و سرگونگی سه پهباد دیگر سخن گفت، هشدار داد ایران با «بیامه» این اقدام روبه‌رو خواهد شد؛ هشدارگی که فقط چند ساعت بعد رنگ واقعیت به خود گرفت و نخستین رویارویی مستقیم تهران و واشینگتن پس از امضای یادداشت تفاهم مشترک و آغاز مذاکرات در سوئیس رقم خورد. این موضوع‌گیری در واقع نخستین نشانه از شکندگی تفاهمی بود که فقط چند روز از امضای آن می‌گذشت. هر چند طی روزهای گذشته دو طرف تلاش کرده بودند با تاکید بر آغاز روند گفت‌وگوها، از ورود به فضای تنش جلوگیری کنند، اما تحولات شامگاه جمعه نشان داد میان مسیر دیپلماسی و واقعیت‌های میدانی همچنان فاصله‌ای عمیق وجود دارد. ساعاتی پس از اظهارات ترامپ، گزارش‌هایی از شنیده‌شدن صدای چند انفجار در محدوده طاهره‌ی سمریک منتشر شد. در ادامه، منابع رسمی داخلی از اصابت چند پرتابه به محدوده اسکله طاهرویه و همچنین برخورد دو پرتابه به یک دکل مخابراتی در این منطقه خبر دادند. هم‌زمان گزارش‌هایی نیز درباره شلیک اخطار از سواحل سیریک و حوالی کربان به سمت شاورهای متخلف در تنگه هرمز منتشر شد؛ اظهارهایی که بعدها در روایت رسمی تهران نیز به عنوان بخشی از روند مدیریت تردد دریایی مورد اشاره قرار گرفت.

اندکی بعد، ستاد فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا (سنتکام) با انتشار بیانیه‌ای مسئولیت حملات را بر عهده گرفت. سنتکام مدعی شد این عملیات در پاسخ به حمله پهبادی ایران علیه یک کشتی تجاری با پرچم سنگاپور انجام شده و هواپیماهای آمریکایی تأسیسات ذخیره موشک و پهباد و همچنین پایگاه‌های راداری ساحلی ایران را هدف قرار داده‌اند. این فرماندهی همچنین مدعی شد حمله منتسب به ایران، نقض آشکار تفاهم آتش‌بس بوده و نیروهای آمریکایی همچنان مأموریت خود برای تضمین امنیت عبور و مرور کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز را ادامه خواهند داد. در همان ساعات، رسانه‌های آمریکایی نیز به نقل از مقام‌های این کشور تاکید کردند عملیات انجام‌شده به معنای بازگشت واشینگتن به یک جنگ کسدرته علیه ایران نیست. شبکه سی‌ان‌ان به نقل از یک مقام آمریکایی گزارش داد حملات بامداد شنبه، دست‌کم در شرایط فعلی، نشانه آغاز مجدد عملیات رزمی فرارگیر تلقی نمی‌شود؛ نکته‌ای که از تلاش دولت ترامپ برای کنترل دامنه بحران و جلوگیری از خروج تنش از چارچوبی محدود حکایت داشت.

در مقابل، تهران روایت کاملاً متفاوتی از ماجرا ارائه کرد. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با صدور بیانیه‌ای

# آتش پساتفاهم



در همین چارچوب، مواضع مقام‌های کشورمان نیز نشان می‌داد تهران حاضر نیست مدیریت تنگه هرمز را به هیچ سازوکار موازی با مشترکی واگذار کند. کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، در پیامی تصریح کرد عبور ایمن کشتی‌ها از تنگه هرمز فقط در چارچوب هماهنگی با جمهوری اسلامی ایران و مفاد تفاهم اسلام‌آباد امکان‌پذیر است و هرگونه تصمیم‌سازی خارج از این چارچوب، از منظر تهران فاقد اعتبار خواهد بود. او هشدار داد ایجاد مسیرهای موازی یا تریبات مهم، نه‌تنها امنیت عبور و مرور را تضمین نمی‌کند، بلکه می‌تواند به تعلیق این روند منجر شود.

در واقع، آنچه در ساعات منتهی به درگیری بامداد شنبه آشکار شد، صرفاً اختلاف بر سر یک کانال ارتباطی نبود، بلکه اختلافی بنیادین درساره تعریف نظم امنیتی‌ جدید در خلیج فارس و تنگه هرمز بود. واشینگتن از ضرورت ایجاد سازوکارهای مشترک برای مدیریت بحران سخن می‌گوید و تهران بر اصل حاکمیت خود و ضرورت هماهنگی کامل با ایران تاکید دارد. تا زمانی که این شکاف برطرف نشود، حتی اگر مذاکرات سیاسی ادامه یابد، احتمال تکرار بحران‌هایی از جنس رخداد بامداد شنبه همچنان پابرجا خواهد ماند.

### آیا وارد دوره «پساتفاهم» شده‌ایم؟

در ادبیات روابط بین‌الملل، امضای یک تفاهم‌نامه و آغاز مذاکرات رسمی معمولاً به منزله ورود طرف‌ها به مرحله‌ای تازه از مناسبات تلقی می‌شود؛ مرحله‌ای که از آن با عنوان «پساتفاهم» یاد می‌شود؛ دوره‌ای که اگرچه اختلافات همچنان پابرجاست، اما منطق دیپلماسی بر منطق تقابل غلبه پیدا می‌کند و سازوکارهای سیاسی، جایگزین واکنش‌های نظامی می‌شوند. شاید به همین دلیل بود که پس از امضای یادداشت تفاهم میان تهران و واشینگتن و آغاز نخستین دور مذاکرات در سوئیس، بخشی از ناظران و تحلیلگران با یک خوش‌بینی محض از شکل‌گیری فضای جدیدی سخن گفتند و این تحولات را آغاز عبور از مرحله رویارویی به مرحله مدیریت اختلافات ارزیابی کردند. ولی رخدادهای بامداد شنبه، این خوش‌بینی را به واقعیتی سخت و انگارناپذیر متوجه‌تر نشان داد. تبادل آتش موازی ایران و آمریکا، آن هم فقط چند روز پس از امضای تفاهم و مذاکرات سوئیس، حکایت از آن دارد که فاصله میان متن توافق و واقعیت میدان، بسیار بیشتر از آن چیزی است که در نگاه نخست به نظر می‌رسید. زمانی که نخستین اختلاف تفسیری درباره نحوه اجرای تفاهم، ظرف چند ساعت به عملیات نظامی متقابل منتهی می‌شود، نمی‌توان با اطمینان از ورود به دوره «پساتفاهم» سخن گفت. واقعیت آن است که تهران و واشینگتن هنوز نتوانسته‌اند منطق امنیتی حاکم بر روابط خود را به منطق سیاسی تبدیل کنند. دیپلماسی آغاز شده، اما بازاردنگی نظامی همچنان زبان اصلی گفت‌وگو میان دو طرف است، ظرفین نه از مواضع امنیتی خود عقب‌نشینی کرده‌اند و نه سازوکارهای قابل اتکالی برای مدیریت بحران ایجاد کرده‌اند. در چنین شرایطی، هر حادثه میدانی، هر سوءبرداشت و هر تفسیر متفاوت از مفاد تفاهم می‌تواند بار دیگر مسیر مذاکرات را تحت‌الشعاع قرار دهد. از این منظر، شاید مهم‌ترین پیام تحولات شنبه آن باشد که هنوز برای سخن‌گفتن از «دوره پساتفاهم» زود است. آتش بامداد شنبه در وقایع سیلی واقعیت بر صورت خوش‌بینی‌های اشتناپ‌برده بود؛ هشدارگی که تاکید دارد امضای تفاهم، الزاما به معنای عبور از منطق تقابل نیست. تا زمانی که اعتماد متقابل جایگزین سوظن ساختاری نشود، نمی‌توان گفت تهران و واشینگتن وارد عصر «پساتفاهم» شده‌اند، بلکه آنها همچنان در مرحله‌ای قرار دارند که تفاهم، خود هنوز نیازمند آزمون‌های دشوار برای اثبات بقاست.

### محسن فایضی: خوش‌بینی به فضای پساتفاهم باید تعدیل شود؛ پرونده هسته‌ای و لبنان هنوز تعیین‌تکلیف نشده‌اند

پیرو آنچه گفته شد، محسن فایضی در کپ‌گفت و تحلیل خود با «شرق» ابتدا معتقد است: «آنچه میان ایران و آمریکا به امضا رسیده، بیش از آنکه یک توافق جامع باشد، تفاهمی برای آغاز مسیر تفاهم است». تفاهمی که به تعبیر تحلیلگر ارشد مسائل غرب آسیا، «قرار نیست اختلافات ریشه‌ای دو طرف را حل کند، بلکه صرفاً بستری برای ورود به مذاکرات بعدی، به‌ویژه در پرونده هسته‌ای، فراهم می‌کند». به اعتقاد این کارشناس حوزه بین‌الملل: «بنیاد از ابتدا انتظاری فراتر از ظرفیت واقعی این تفاهم داشت؛ چراکه تجربه دو سال مذاکرات بی‌نتیجه گذشته نشان داد مهم‌ترین اختلافات، به‌ویژه در موضوع هسته‌ای، همچنان پابرجاست و همین‌بن‌بست بود که آمریکا را به سمت گزینه‌های جایگزین سوق داد. از این منظر، تفاهم اخیر بیش از آنکه نقطه پایانی یک بحران باشد، تلاشی برای توقف روند تشدید تنش و ایجاد فرصتی برای آزمون امکان رسیدن به توافقی گسترده‌تر است.»

# شرق

به گفته این تحلیلگر: «جوهر اصلی تفاهم امضاشده بین رؤسای جمهور ایران و آمریکا، نوعی کاهش تنش متقابل است. به این معنا که ایران پذیرفته است شرایط تنگه هرمز و مسیرهای دریایی را به وضعیت عادی بازگرداند و در مقابل، آمریکا نیز متعهد شده بخشی از فشار‌های ناشی از محاصره و محدودیت‌های اقتصادی را کاهش دهد. با این حال، تفاهم اخیر یک تفاوت اساسی با آتش‌بس‌های گذشته دارد؛ زیرا برای نخستین‌بار پرونده لبنان نیز به آن پیوند خورده است. برخلاف توافقی‌های صرفاً امنیتی که فقط بر توقف درگیری‌ها متمرکز بودند، این تفاهم تلاش کرده معادلات منطقه‌ای، به‌ویژه تحولات لبنان را نیز در چارچوبی مشترک تعریف کند. همین ویژگی اگرچه دامنه تفاهم را گسترش داده، هم‌زمان سطح پیچیدگی آن را نیز افزایش داده است.»

فایضی در ادامه گفت‌وگوش با «شرق»، ضمن اشاره به تبادل آتش بامداد شنبه میان ایران و آمریکا، این رخداد را نشانه «شکست تفاهم» نمی‌داند، بلکه آن را محصول «ورود دو طرف به معادلات جدید» ارزیابی می‌کند؛ چراکه از نگاه او، «شرایط نه به وضعیت پیش از جنگ بازگشته و نه قواعد بازی همان قواعد سابق است. اکنون مجموعه‌ای از معادلات تازه شکل گرفته که از امنیت تنگه هرمز تا پرونده لبنان را در بر می‌گیرد و هرگونه اقدام نظامی یا امنیتی در این حوزه‌ها می‌تواند مستقیم بر روند مذاکرات اثر بگذارد». این کارشناس اعتقاد دارد: «اختلاف بر سر نحوه مدیریت عبور و مرور دریایی، تعریف مسئولیت‌ها در تنگه هرمز و برداشت‌های متفاوت از تعهدات طرفین، از جمله عواملی است که می‌تواند در آینده نیز منشأ تنش باشد.»

با چنین برداشتی، فایضی یادآور می‌شود: «مهم‌ترین مانع پیش‌روی تفاهم، همچنان پرونده هسته‌ای است؛ همان موضوعی که در مذاکرات پیشین نیز به نتیجه نرسید و عملاً به آینده موکول شد. از این رو، تفاهم فعلی فقط توانسته بن‌بست را به آینده منتقل کند، نه اینکه آن را برطرف کند». به همین دلیل او بر این باور است: «باید با واقع‌بینی به تحولات نگریست، نه خوش‌بینی مطلق می‌تواند راهگشا باشد و نه بدبینی کامل». از نظر این کارشناس: «هر دو طرف در شرایط کنونی به این تفاهم نیاز دارند. آمریکا در آستانه تحولات داخلی و سیاسی خود، به کنترل بحران منطقه‌ای نیازمند است و ایران نیز برای کاهش فشارهای اقتصادی و شکستن محاصره، انگیزه جدی برای حفظ مسیر گفت‌وگوها دارد. همین نیاز متقابل، مهم‌ترین عامل استمرار مذاکرات است، هرچند تضمینی برای موفقیت نهایی آنها محسوب نمی‌شود.»

در بخش دیگری از این گفت‌وگو، فایضی به پرونده لبنان و توافق اخیر دولت مستقر در بیروت و اسرائیل می‌پردازد؛ پرونده‌ای که به باورش از دیرباز تحت تأثیر موازنه قدرت‌های خارجی بوده و اساساً نمی‌توان معادلات داخلی لبنان را مستقل از بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی تحلیل کرد. بنابراین تحلیلگر ارشد مسائل اسرائیل یادآور می‌شود: «ورود ایران و آمریکا به معادلات لبنان پدیده‌ای تازه نیست، اما آنچه در تفاهم اخیر اهمیت دارد، پیوند خوردن مستقیم ایسن پرونده با روند تفاهم تهران و واشینگتن است». به اعتقاد او: «این پیوند با هدف ایجاد معادله‌ای جدید صورت گرفته است؛ معادله‌ای که بتواند هزینه اقدامات اسرائیل در لبنان را از سطح محلی به سطح منطقه‌ای و حتی به روابط آمریکا و اسرائیل منتقل کند». فایضی معتقد است: «اسرائیل پس از پایان جنگ، برنامه‌ای مشخص برای تغییر موازنه قدرت در لبنان دنبال کرده است؛ برنامه‌ای که از حضور نظامی در جنوب لبنان و سلسله عملیات‌های هدفمند آغاز شده و هدف نهایی آن، حذف تدریجی حزب‌الله از معادلات سیاسی و امنیتی این کشور است». به تعبیر او: «حتی پیش از جنگ اخیر نیز نشانه‌های این راهبرد وجود داشت و بسیاری انتظار داشتند تل‌آویو در ماه‌های پایانی سال یا پیش از انتخابات داخلی اسرائیل، هر مرحله نهایی این پروژه را آغاز کند. جنگ صرفاً زمان‌بندی ایسن برنامه را تغییر داد، نه اصل آن را.»

لذا از نگاه این تحلیلگر: «مواضع دیروز شیخ نعیم قاسم، دبیر کل حزب‌الله نیز دقیقاً در همین چارچوب قابل فهم است و در تکمیل آن می‌گوید «حزب‌الله معتقد است توقف پروژه اسرائیل فقط زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که اقدامات تل‌آویو برای آمریکا نیز هزینه‌زا شود. به همین دلیل، تلاش می‌شود تحولات جنوب لبنان به روابط تهران و واشینگتن پیوند بخورد تا هرگونه اقدام اسرائیل، پیامدهایی فراتر از جغرافیای لبنان پیدا کند. در این چارچوب، مخالفت حزب‌الله با توافق بیروت و تل‌آویو و نیز پروژه خلع سلاح حزب‌الله موضوع نظامی نیست، بلکه بخشی از معادله بازاردنگی جدید محسوب می‌شود.»

فایضی همچنین درباره سناریوی خلع سلاح حزب‌الله هشدار می‌دهد و معتقد است: «بپذیرش چنین مطالبه‌ای، ذیل توافق اخیر از نگاه این جنبش به معنای فراهم‌شدن زمینه برای حضور بلندمدت اسرائیل در جنوب لبنان خواهد بود. از همین‌رو حزب‌الله تلاش می‌کند معادله متفاوت ایجاد کند؛ معادله‌ای که در آن هرگونه فشار بر جنوب لبنان، هزینه‌ای مستقیم برای آمریکا در روند مذاکرات با ایران داشته باشد». به اعتقاد او: «حتی اگر مذاکرات هسته‌ای نیز ادامه پیدا کند، موفقیت آنها تا حد زیادی به سرنوشت همین معادلات منطقه‌ای وابسته خواهد بود.»

تحلیلگر ارشد حوزه غرب آسیا در پایان با اشاره به نقش اسرائیل و شخص بنیامین نتانیاوو تاکید می‌کند: «تل‌آویو تلاش خواهد کرد از اهم لبنان برای افزایش فشار بر ایران در جریان مذاکرات با آمریکا استفاده کند». با این حال، فایضی معتقد است: «هدف اصلی اسرائیل الزاما برهم‌زدن تفاهم نیست، بلکه استفاده از تحولات لبنان به عنوان یک ابزار چانه‌زنی برای تأثیرگذاری بر روند گفت‌وگوهاست». به باور او، «همین واقعیت ایجاد می‌کند که نگاه‌های خوش‌بینانه به تفاهم اخیر ایران و آمریکا تعدیل شود؛ زیرا اگرچه دو طرف نتوانسته‌اند از مسیر تشدید تنش فاصله بگیرند، اما سرنوشت تفاهم بیش از هر چیز به نحوه مدیریت پرونده‌های پیچیدهای مانند لبنان و مذاکرات هسته‌ای آن گر خورده است؛ پرونده‌هایی که همچنان ظرفیت ایجاد تلاش می‌کند معادله متفاوت ایجاد کند؛ معادله‌ای روبه‌رو کنند.»